

کسی که بهشت را بر زمین نیافته است آنرا در آسمان نیز نخواهد یافت. خانه خدا نزدیک است و تنها اثاث آن عشق است دیگر چه؟ نوعی جنون؟ زخمی بسته؟ و یاشیرینی جاودان!؟

اگر احساس را از زندگی عاشقان برداریم بقیه آن در ظلمات ناپدید می شود

عشق، عشق می آفریند. عشق دلشوره به همراه دارد. دلشوره جرات می بخشد. جرات اعتماد به همراه دارد

مرگ چیزی را دگرگون نمی کند، مرگ نقابهای پوشاننده ی چهره ما را بر میدارد تا چهره واقعی ما نمایان گردد

درهای وحی بسته شده است، ولی درهای معجزات الهی و نیز الهامات روحی والهی بسته نشده است

روح درونی خود را زیبا کنید، تا شخصیت درونی و بیرونی شما یکی شود

نیایش چیست مگر فراکشیدن خودتان در اثر زنده؟

خداوند در دل شما شمع نهاده است که با زیبایی و دانش فروزان می گردد. گناه است که آنرا خاموش ساخته و زیر خاکسترها دفن کنید

عشق آن آتش شوق الهی است که ماسوای الله را می سوزاند و نابود می گرداند

عشق آن مغناطیس روحانی لطیف و حساس است به جانب زیبایی و کمال می رود

عشق حکومت الهی بر مملکت نفس انسانی به سبب جلوه گریهای انوار الهی است

هر کجا که اعتقاد و ایمان است . عشق آنجاست . هر کجا که عشق است . آسایش و آرامش است . هر کجا که آسایش و آرامش

است . خدا آنجاست . هر کجا که خدا هست . نیازی به چیزی نیست

شب پناه انبیاست و خلوتگاه اولیاست . شب ، خزینه اسرار است و سفینه ابرار

کسی را که شکیبایی نجات ندهد، بی تابی او را هلاک می گرداند

هرگز ناتوان نبوده ام جز در برابر کسی که از من پرسید: تو کیستی؟

اگر به غایت چیزی رسی که باید بشناسی به آستانه چیزی رسیده ای که باید دریابی

دل آدمی ناله یاری سر میدهد روح آدمی از ما التماس رهایی میکند اما ما به ناله هایش بهایی نمی دهیم زیرا که آنها را نه میشنویم

و نه در می یابیم او را هم که می شنود و درمی یابد دیوانه نامیده و از وی می گریزیم

اگر بسته عشقی خلاص مجوی *** و اگر کشته عشقی قصاص مجوی

که عشق آتشی سوزان است و بحری بی پایان

به کودکی پستی، به جوانی مستی، به پیری سستی، پس کی خدا پرستی؟

خداوند عزوجل آنگاه که بنی آدم را از تاریکستان نیستی به روشنایی هستی آورد، از کرامات خود، بزرگترین و والاترین و نفیس ترین چیز یعنی کنجکاوی و دانستن را به او عطا کرد

خدایا عبادت نمیکنم از ترس آشت و نه طمعی از بهشت بلکه درک کردم تورا شایسته پرستش پس به درگاہت سجده کردم و برای عبادت تو دستانم رو به آسمان قنوت گرفتند

ناامیدی نخستین گام بسوی گوراست

عفو زیور قدرت و عجله پدر ناکامی و زبان نماینده عقل است

احساس دل بالاتر از منطق است و صداقت بهترین سیاست است

دی رفت و باز نیامد، فردا را اعتماد نشاید***حال را غنیمت دان که دیر نیاید

محال کلمه ای است که در فرهنگ دیوانگان یافت می شود

آنچه سرنوشت ما را تعیین میکند، شرایط زندگیمان نیست بلکه تصمیمهای ماست

بهبتر است دوباره سوال کنی تا اینکه یکبار راه را اشتباه بروی

دل منطقی دارد که عقل از آن بی خبر است

استعداد در تنهایی رشد میکند، شخصیت در رود زندگی

سکوت را بیاموز بگذار، ذهن آرام تو گوش کند و بیاموزد

علم تورا حفظ میکند، اما ثروت را تو باید حفظ کنی

یا درست حرف بزن یا عاقلانه سکوت کن

آنچه هستید شمارا بهتر معرفی میکند تا آنچه می گوئید

باید زیاد مطالعه کنید تا بفهمید که هیچ نمی دانید

منیت حاکی از نادانی شماست هراندیشه ای که "من" را بوجود می آورد آفریننده ی انواع اضطرابها و گرفتاریهاست و خود دوزخ است

عاشق کامل کسی است که چه در تنهایی و چه با معشوق، شاد است. تفاوتی بین این دو حالت وجود ندارد

گفتمش نقاش را نقشی بکش از زندگی*** با قلم نقش خُبابی بر لب دریا کشید

عادت، زنجیرهای روانی پولادینی هستند که به دست و پای ملتتها بسته می شود

تا وقتی که افراد و مردم عادت به استعمال چیزی نکرده باشند نمیدانند که به آن چیز تا چه اندازه احتیاج دارند و کمبود را درک نمیکنند

اکثر افراد اجتماعات گاهی نمیدانند چه کمبود و نقص بزرگی در زندگی و در وجود خود دارند بعلاوه نمیدانند از بین برنده این کمبود چیست و کدام است

آرامش در درون ماست، مرد آرام هنگام کار و کوشش، هنگام مبارزه و تلاش، آرام است

مرد آرام، شبانه روز تلاش میکند، میجنگد و مبارزه میکند، هر روز با هزاران وقایع و رویداد اجتماعی در اجتماع انسانهای غیر عادی و احمق و مزاحم روبرو و درگیر است، ولی در حین محتاط بودن آرام است، هیچگاه اینهمه رویدادهای مخالف و زجر و عذابه‌ها و اینهمه کارشکنیها، آرامش و خونسردی او را بهم نمیزند، نگران نمیشود، غصه نمیکورد، دچار بیخوابی نمیشود، عصبانی نمیشود، بر روی همه مشکلات بدبختیها و بیچارگیهای اجتماعی لبخند میزند

ترس از موش، سوسک، سگ و گربه حیوانات پرنده، ترس از تاریکی و بلندی، اماکن در بسته، ترس از باد و آب در بعضیها وجود دارد که همه این ترسها عامل خاصی دارند که ریشه آن در ناخودآگاهی است

اشخاص با استعداد که دارای ساختمان مغزی و عصبی خاصی هستند، وقتی در عرفان جلوتر رفتند، ممکن است به انجام کرامات و معجزات و وحی و الهام برسند و این حالات نیز فهمیدنی و ریاضی نیستند، گرچه ممکن است اثرات آن در خارج دیده شود ضمیر درونی هر فرد دریچه ایست بسوی خدا است اگر آن را پرورش دهد

افراط و تفریط در نظم و انضباط، عادت به توجه بیش از حد به نکات و عوامل خیلی جزئی و کوچک، یابه عکس فقط کلیات را دیدن، عادت به لجاجت و سرسختی، افراط و تفریط در کنترل وقت، پی گیری بی مورد، انعطاف ناپذیری، عدم توانائی در تصمیمگیری صحیح بعلت وجود عقده ها و کشمکشهای ناخودآگاه درونی و بسیاری از این قبیل حرکات و رفتار غیر عادی هستند که موجب شکست و ناکامی یکی و باعث پیروزی دیگری میگردد

هر شکستی علتی دارد که معمولاً و اکثراً علت آن شکست خود ما هستیم، علت شکست در درون ماست، در درون ما دهها دشمنان داخلی وجود دارند که ما را از واقع بینی دورنگه میدارند و یابسوی بیراهه و انحراف سوق میدهند و ما کاملاً بی خبر و بی اطلاع از فعالیت این جاسوسان درونی هستیم

انسان خردمند ذهن بسته ای ندارد و برای اجتناب از پذیرفتن عقاید تازه سرخود را مانند کبک در زمین فرو نمی کند. انسان خردمند زود باور نیست و عقیدای را کورکورانه نمی پذیرد. او مطالعه می کند و مطالب را کاملاً هضم میکند. پس آنها را در پیشگاه عقل و منطق خود ارزیابی میکند. عقاید تازه را می آزماید و از خلال این آزمون ها و تجربه هایش پیشرفت میکند. انسان خردمند این عقاید را با ذهنی روشن بررسی میکند

زیباترین تجربه ای که میتوان داشت تجربه رخدادی مرموز است. احساسی بنیادی که در گهواره علم و هنر حقیقی واقع می شود. هر که انرا شناسد و نتواند حیرت را تجربه کند. بسان مرده ایست و دیدگان او تاریکند

همه افکار واقعی هستند . تکرار افکار و احساسات منفی سرانجام افکار وسواسی را بوجود می آورند و ممکن است عمل های منفی اجباری را نیز تسریع کنند . تکرار عملهای منفی سرانجام رفتار اجباری را بوجود می آورد. برطرف کردن احساسات و افکار جمع شده منفی سرعت بهبودی در درمان بیماران روحی و روانی را افزایش می دهد

بیماران افسرده افرادی هستند که خوب تفکر می کنند اما تنها مشکلی که دارند این است که روی موضوعات منفی تفکر و اندیشه می کنند . بنابر این روان درمانگران باید بیماران را تشویق کنند که افکار و احساساتشان را روی موضوعات مثبت سوق دهند

ما همه اینجا مهمانیم. این دنیا مالِ ما و یا پدرانِ ما نیست و نبوده. اینجا صاحب دارد و ما همه در محضر این صاحب زندگی می کنیم. بجای اینکه آرامش و ثروت را از دنیا بخواهیم، آنها را از دنیا ساز بخواهیم

زندگی مانند نقش و نگارهای قالی ایرانی است که در عین زیبایی درک آن مشکل است

زندگی دریای متلاطمی است که قطب نمای آن محبت است

زندگی شما وقتی زیبا و شیرین خواهد شد که پندارتان . کردارتان و گفتارتان نیک باشد

آنکس که اسیر عادت است شایسته زندگی نیست

خنده بهترین اسلحه جنگ با زندگی است

ما بسیار تواناتر از آنیم که می پنداریم . لحظه هایی هست که در آنها تنها با دست نزدن به هیچ ابتکاری و انجام ندادن هیچ کار است که می توانیم بیاموزیم ، زیرا در این زمانهای خاموشی بخش نهان هستی ما به کار افتاده و پویا می گردد

دل های شما به تخته هایی می ماند که زیر برفها خفته و رویا های بهار را می بینید.به رویای های خویش دل سپارید ، زیرا راه جاودانگی از آنها می گذرد.تا بحال ندیده ام کسی مرا از انجام کاری باز دارد و خود به آن کار گرایش نداشته باشد پاکدل را کسی باور نمی کند ، مگر پاکدل

همیشه افرادی هستند که تورا می آزارند ، با این حال همواره به دیگران اعتماد کن و فقط مواظب باش که به کسی که تورا آزرده دوباره اعتماد نکنی

خود را به فرد بهتری تبدیل کن و مطمئن باش که خود را می شناسی قبل از آنکه شخص دیگری را بشناسی و انتظار داشته باشی او تو را بشناسد

تجربه رویدادهایی نیست که با آن برخورد می کنیم .تجربه برخوردهایی است که با رویدادها می کنیم

این مهم نیست ما انسانهای کوچکی هستیم این مهم است که بتوانیم بزرگ فکر کنیم

آنچه از دیگران انتظار دارید خود به انها عطا کنید فایده و سودی از ان بیشتر نیست که شما آغاز کننده ی یک سیکل رفتاری باشید

دوستانت باید مانند کتاب هایی که می خوانی کم باشند و برگزیده

به گل گفتم عشق چیست؟ گفت: از من خوشگل تر است. به پروانه گفتم عشق چیست؟ گفت: از من زیبا تر است. به شمع گفتم

عشق چیست؟ گفت: از من سوزان تر است. به عشق گفتم آخر تو چیستی؟ گفت: نگاهی بیش نیستم

به کودکی گفتند: عشق چیست؟ گفت: بازی... به نوجوانی گفتند: عشق چیست؟ گفت: رفیق بازی... به جوانی گفتند: عشق

چیست؟ گفت: پول و ثروت... به پیرمردی گفتند: عشق چیست؟ گفت: عمر... به عاشقی گفتند: عشق چیست؟ چیزی نگفت. آهی

کشید و سخت گریست

اگر خواستی درب بهشت را ببوسی دست پدر و مادر را ببوس. اگر آنها در دنیا نبودند گوشه قبر آنها را ببوس

یکی از نشانه های نادانی این است که کسی قبل از شنیدن مطلب جواب بگوید

مدیتیشن در جهت درک خداوند می باشد. توجه کاملتان باید به خداوند معطوف شود. همیشه بخاطر داشته باشید. جلال خداوند درون

شماست. نه اینجا و نه آنجا، بلکه درون شما

هرگز لبخند را ترک مکن حتی هنگامی که ناراحتی چون هر کس امکان دارد عاشق لبخند تو شود

عشق را آن حالت محبت و ذوق و اشتیاق گویند که شخص به غیر از محبوب خویش چیزی را نبیند و نخواهد و قدرت این کبریت سرخ

چنان قوی و لایتناهی است که میتواند هم چو اکسیری وجود انسان را کیمیا کرده و تغییر حالت دهد. شعله های آتش سوزانش از کرانه های

وجود زبانه میکشد و انسان را واله و شیدامی گرداند

عشق است که هزاران هزار معشوق دل باخته و عاشق سینه سوخته را از پی یکدیگر برمی انگیزد و نیز عشق هدف

را بسیار نزدیکتر میکند و عاشق بدلیل سوز و گدازهای فوق العاده زودتر به مقصد و هدف خواهد رسید

هر چیزی را معدنی است و معدن تقوی قلوب عارفان است

جذبه: سرآلهی است که خداوند به فضل خویش به مؤمنین حقیقی عطا می فرماید که با عین الیقین او را مشاهده کنند

اشراق: آتشی است که در ارض روح مشتعل می شود و سبب اشتعال آن آتش، عشق است

فنا: تغییر حال روحی از راه خاموش کردن جمیع هوسها و میلها و ارادهها و تعینات شخصی

فنا: بی خودی و عدم احساس به وجود خویش. بی خبری ذهن از تمام موجودات و مدرکات حسی و اعمال و افکار و احساسات حتی

از هستی خود، بواسطه جمع شدن همه قوای نفسی در خدا، یعنی غرق شدن در مشاهده صفات الوهیت

سماع: این عمل حالت تمرکز، وجد و شور در قلب ایجاد می کند و این وجد حرکات بدنی بوجود می آورد که اگر حرکات غیر موزونی باشد

((اضطراب)) و اگر حرکات موزونی باشد ((کف زدن و رقص)) است. صوفی طبعاً اهل دل و احساسات است، واضح است که مذاق

جاننش تاچه اندازه از شنیدن آواز خوش و نغمه دلکش متلذذ می شود

هیچ چیزی نیست که چشم بر آن افتد و در آن پندی نبود

هرگاه نفس تو، در آنچه تو فرمانش می دهی، فرمانت نبرد، در آنچه او بدان مشتاق است، فرمانش مبر

بایدشکرگزاری کنیم. هستی، انسانهای شکرگزار رادوست دارد

الهی اگر از دنیا مرانصیبی است به بیگانگان دادم و اگر از عقبی مرا ذخیره ای است به مومنان دادم. درد دنیا مرا تو بس و در عقبی مرا

دیدار تو بس. دنیا و عقبی دو متاعند بهایی و دیدار نقدیس عطایی

خدایا گناهم به حدی است که از آن بزرگتر فقط کرم توست، وقتی تو را یاد می آورم دلم شاد می شود. وقتی گناه خودم را یاد می

آورم به چشم اشک می آورم و خجل می شوم

کار مانیست شناسایی راز گل سرخ کار ماشاید این است که در افسون گل سرخ شناور باشیم

اگر بسته عشقی خلاص مجوی، و اگر کشته عشقی قصاص مجوی، که عشق آتشی سوزان است و بحری بی پایان

خداوند عزوجل آنگاه که بنی آدم را از تاریکستان نیستی به روشنایی هستی آورد، از کرامات خود، بزرگترین و والاترین و نفیس ترین

چیزی یعنی دانستن رابه اوداد

خدایامن در کلبه فقیرانه خود چیزی رادارم که تو در عرش کبریایی خود نداری من چون تویی دارم و تو چون خود نداری

غرور داشته باشید در حد استغنا طبع، تکبر داشته باشید در حد شخصیت. رقابت داشته باشید در ریشه حسادت را از قلب بکنید. پس داشتن

استغنا و حفظ شخصیت و رقابت مستحسن است، غرور و تکبر حسادت بد است

به روز شده های پاورقی -->

هیچ دردی بالاتر از بی دردی نیست

خدا: عشق، زندگی، نور و خودآگاهی است

انسان جمع اضداد است، این نشانه بی همتائی اوست

انسان اول وجودش می آید و سپس به جستجوی ماهیت خود می پردازد

شیطان همان ذهن است، بیرون از انسان اهریمنی وجود ندارد

بسیاری از دل بستگی ها برای ما بصورت سد راه و مانعی برای رفتن بسوی خدا عمل میکنند

قلبهای ما، فکر ما، چشم ما به خشونت، زشتی و... عادت کرده و زیبایی ها را نمی بینیم و درک نمی کنیم

سه عامل رسیدن به هدف: حکومت، محیط جامعه و راهنما

عمری که به بدی گذشت بیهوده نخواهد بود مگر اینکه از آن برای آینده درس گرفت

انسانهای بزرگ دشمنان زیادی دارند

تاریکی اولین ملاقات با خداست

هرکسی معمار سرنوشت خودش است

سوال تولید علم میکند و برای پرسیدن نیز نیاز به تفکر است

عشق فرزند عقل است

ذهن ما روی کلماتی که انتخاب می کنیم فکر می کند، و ذهن تبدیل به تصویر می شود

اگر عقل با وحی همراه شود، هیچکس دیگر دین خدارا با هیچ چیز دیگر تبدیل و مبادله نمیکند

لقمه حرام و معصیت چشم دل مارا می بندد، گوشهها را ناشنوا کرده و کلام خدا و حقیقت در دلمان اثر نمی گذارد

دل داننده تمام اسرار آفرینش است

یکی بین، یکی جو، و یکی دان

بیا پیداگر قرار است از این دنیا چیزی بدزدیم، چیزی مفیدی بدزدیم که بتونیم از این دنیا ببریم. واگر قراره طمع کار باشیم به انجام

کار نیک و مثبت طمع داشته باشیم

ما توی این دنیا توی بیابونیم (توی مهمونی که نیستیم) راه گریزی نداریم باید بجنگیم علیه باطل

به ذکر خدا مشغول باش: بواسطه ی دوری از مردم و چشم پوشی از شیرینی وترشی و فارغ نمودن شکم و خانه ات از دنیا

تقرب: خوابت را نماز قرار بده و طعامت را گرسنگی

قبل از اینکه بیارتون خودتون بیابین، و بیابین پیش همونی که بهش اهانت کردی برای توبه